

حسین شکیب‌راد

سردبیر
نوجوانه

یک زمانی این‌که ما را در یک اتاق ببندارند و حبس مان کنند و نتوانیم با دیگران ارتباط برقرار کنیم و مثلاً برویم دم در خانه با همسایه‌ها گل کوچیک بازی کنیم، بدترین غذایی بود که می‌شد به یک نوجوان داد. البته انسان در هر سنی تمایل به تنهایی دارد ولی هرچه جلوتر می‌رویم این تمایل به تنهایی بیشتر هم می‌شود. شاید خود تو هم از آن دسته نوجوان‌هایی باشی که دوست داری مدت زیادی را در تنهایی بگذرانی. دلایل این تمایل هم زیاد است. یکی برای کسب معنویت این حس را دارد و یکی از سکوت و آرامش لذت می‌برد و یکی هم کلاً از هم‌صحبتی با دیگران خوشش نمی‌آید.

حالا این تنهایی که از آن حرف زدیم تنهایی خودخواسته است اما برخی تنهایی را نمی‌خواهند و مشکل‌شان این است که در جمع پذیرفته نمی‌شوند؛ یعنی اولش از اینجا شروع می‌شود که کسی درک‌شان نمی‌کند. بعد کم‌کم حس می‌کنند چه آنها نخواهند و چه خودش، عاقبت تنهایی نصیبش خواهد شد. انگار نوجوان نسل امروز از این مدل تنهایی نوین بیشتر رنج می‌برد. اتفاقاً او خیلی هم اهل ارتباط برقرار کردن است. مثلاً برای خود تو در فضای مجازی کلی دوست و غریبه هستند که با آنها در ارتباطی. ولی حتی وقتی مثلاً در یک مهمانی هستی هم ترجیحات این است که گوشی را برداری و با همان‌ها ارتباط بگیری تا این‌که بخواهی با کسانی سروکله بزنی که برایت ارزش زیادی قائل نیستند یا درست درکت نمی‌کنند یا حتی برایت جذاب نیستند.

به هر حال من یکی که باور دارم دوران نوجوانی را نباید با مفهوم خود نوجوان قاطی کنیم. یعنی درست است که این دوران گذار و البته پر از اتفاقات عجیب و غریب است و گاهی چالش‌های بحرانی در آن متنوع می‌شود ولی خود نوجوان کسی است که فقط دارد تلاش می‌کند با جهان اطرافش بیشتر از قبل آشنا شود، استعداد هایش را کشف و رویا هایش را پیدا کرده و با استقلال فکری بیشتری از دوران کودکی، برای رسیدن به آنها تلاش کند.

تنها امید

پارسا شاددل
تهران

به عنوان نوجوان، چه انتقادی از جامعه دارید؟ ملت واژه‌ای پیچیده و سرشار از ابعاد مختلف است. اگر تاکنون با علوم انسانی آشنا شده باشید، متوجه می‌شوید به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های انسانی، علوم انسانی و مطالعه درباره آن نسبت به علوم دیگر پیچیده‌تر است. همین مسأله نشان می‌دهد که انتقاد امروزان به خودمان بسیار پیچیده و چندوجهی است؛ بنابراین با دقت ادامه مطلب را مطالعه بفرمایید. کارگردان معروف جمله جالبی دارد: «آگاهی‌ول هر تغییری است. من امید دیگری نمی‌شناسم.» اگر پاراگراف بالا را به دقت مطالعه کرده باشید، یک کلیدواژه توجه شما را جلب می‌کند: بله، «آگاهی». این کلیدواژه اهمیتی غیر قابل توصیف

حال خوب لطفا!

معصومه محمدیان‌راد
دزفول

به نظر شما، بزرگ‌ترین ضعف آموزش و پرورش چیست؟ دوران دبستان، ترس از ریاضی و املا و علوم، یقه‌مان را چسبیده بود و ول نمی‌کرد، بزرگ‌تر شدیم و دوران متوسطه اول، زبان و عربی و ایکس و وای هم به آنها اضافه شد و متوسطه دوم، غولی به نام کنکور و امتحانات نهایی نیز از راه رسیدند و به وحشت ما بیشتر افزودند و همگی با هم بر روح و روان نحیف ما تاختند! از هفت سالگی تا سن قانونی شدن، تمام اینها را از سر گذراندیم، اما نمی‌دانم چرا هیچ وقت، حال دانش‌آموز مهم‌تر از درس و نمره و معدل نبود...

دارد که کارگردان از آن به عنوان تنها امید برای تغییر یاد کرده است. ناآگاهی مردم در سالیان گذشته باعث بروز مشکلاتی فراوان در حوزه‌های مختلف شده که جبران خسارات وارده از ناآگاهی، سالیان سال به طول خواهد انجامید؛ به شکلی که گذشتگان و حتی نسل ما در حال ارتکاب اشتباهاتی هستند که نسل‌های آینده را از آرامش، رفاه، محیط زیست و منابع طبیعی بی‌بهره می‌سازد. اصلاح این امور آسان و در عین حال سخت‌تر از آن چیزی است که فکرش را می‌کنیم. اما اصلاح نکردن این امور، آینده‌ای تاریک و نابودی را برای نسل آینده نوید می‌دهد. آگاهی مهم‌ترین رکن پیشرفت یک جامعه است. اگر شما میلیارد‌ها منبع را در اختیار مردم ناآگاه بگذارید، شاهد نابودی و ائتلاف آن خواهید بود. همان‌طور که میهن عزیز ما سرشار از منابع طبیعی و انسانی است، اما هر روز شاهد پسرفت و درجا زدن هستیم و با نابودی منابع تجدیدنظیر یورو به رو هستیم.

اما «ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است»؛ فرصت برای اصلاح هست، فرصت برای بازگشت از اشتباهات

درس عالی است، معدل مهم است، اما روح و روان انسانی که بخشی از راه پیچ‌درپیچ زندگی‌اش از مدرسه می‌گذرد، از آنها هم مهم‌تر است. چران باید بیشتر به دانش‌آموز توجه شود؟ حال خوب آینده‌ساز این کشور، از نمره فلان در درس ریاضی و نمره بهمان در درس عربی مهم‌تر است؛ جناب آموزش و پرورش، لطفاً بیشتر توجه کن، افرادی که از هفت‌سالگی به مدارس سپرده می‌شوند، همان‌هایی هستند که فردای این کشور را می‌سازند و اگر خدای ناکرده حال‌شان خوب نباشد، حال کشورمان نیز خوب نیست! چرا بعضی از معلمان ما باید به گونه‌ای رفتار کنند که دانش‌آموز

گذشتگان هست، فقط باید بیدار شویم و به مسیر توسعه برگردیم. اینها فقط شعار نیستند، بلکه راهکارهایی عملی برای کشور ما هستند. ملت قهرمان پرور ایران! هنوز مجال برای اصلاح امور هست. تادیر نشده به مسیر برگردیم. فرصت طلایی مان آغاز شده؛ به قول سهراب سپهری: «رخت‌ها را بکنیم، آب در یک قدمی است». و به رسم همیشه، به امید نشاط برای برادران و خواهران سرزمینم ایران.



از درس و مدرسه و جایگاه معلمی متنفر شود؟ چرا هیچ نظارتی نیست؟ چرا معلمی که عصبانیت منزلش را پای نهال دانش‌آموز می‌ریزد، معلمی که چگونگی رفتار با دانش‌آموز را نمی‌داند، معلمی که دانش‌آموز را تحقیر می‌کند و معلمانی که هزاران ویژگی دیگر دارند، توبیخ نمی‌شوند و همچون گذشته به کارشان ادامه می‌دهند؟ مگر نه این‌که دانش‌آموز فضایی سالم و پرنشاط برای تحصیل می‌خواهد؟ چرا معلمی استخدام می‌شود که هیچ درکی از ویژگی‌های جایگاه معلمی ندارد؟ باید بدانیم که آینده کشورمان و خودمان در دست همین کودکان و نوجوانانی است که اگر حواسمان به‌شان نباشد، آینده خود ما و کشور ما و چه بسا نسل‌های دیگر نیز تباه و نابود می‌شود.

سینمای دیگر ملت‌ها

سیدسبحان سیدعظیمی
تهران

من به عنوان یک نوجوان، چه انتقادی از سینمای کشورم دارم؟ اکثر ما تاریخ قیام مختار و جنگ‌های داخلی اعراب در آن زمان را از بریم، خیلی از ما به خوبی می‌دانیم جومونگ چگونه امپراتوری گوگوریو را تاسیس کرده و به لطف هالیوود بارها فیلم‌ها و سریال‌هایی از جنگ‌های یونان باستان و یا فتوحات وایکینگ‌ها در شمال اروپا را تماشا کرده‌ایم، اما چند درصد از ما راجع به دلاوری‌های سردار سورنا، رستم فرخزاد و یا سلطان جلال‌الدین محمد چیزی می‌دانیم؟ چه چیزی یا چه کسی ما را محکوم کرده که فقط فیلم‌ها و سریال‌های طنز و عموما

بی‌ارزش بسازیم و نگاه کنیم؟

قطعه‌ای شود از غربی‌ها انتظار داشت که ببینند و از تاریخ ما فیلم بسازند، اما چرا نباید این انتظار را از خودمان داشته باشیم؟

از طرفی معتقدیم هنر نزد ایرانیان است و بس، اما از طرف دیگر هیچ تلاشی برای نشان دادن این هنر نمی‌کنیم. مدام به فرزندان مان می‌گوییم به جای خواندن داستان ابرقهرمان‌های غربی، شاهنامه بخوان تا دریایی قهرمان واقعی کیست. اما دریا که کتاب‌های کهنه ما حریف رسانه‌های پررنگ و لعاب غربی نمی‌شوند.

نمی‌دانم این بی‌عملی در فضای رسانه‌ای صرفاً به علت بی‌توجه بودن مسئولان مربوطه بوده یا نتیجه سیاستی پنهان در پشت پرده است. اما اگر کسی واقعا در تلاش است سینمای ایران را تپی از هرگونه فرهنگ ایرانی نگه دارد، باید به او آفرین گفت چرا که موفق شده ایران را برای سالیان سال از تلویزیون و سینمای ایران و نتیجتاً از دل‌های مردم ایران بیرون کند.



سینمای نوپا و پویا

میلاداله بخش
تهران

من به عنوان یک نوجوان، چه انتقادی از سینمای کشورم دارم؟ بیایید برگردیم به جشنواره فجر سال گذشته؛ علی‌رغم کیفیت پایین بسیاری از فیلم‌هایی که اکران شده بود، وجود چند اثر در حوزه نوجوان حائز اهمیت بود. آثاری که در جشنواره فیلم کودک و نوجوان امسال نیز اکران و داوری شدند؛ نوروز، تابستان همان سال و باغ کیانوش از جمله سه فیلم برتر هر دو جشنواره به شمار می‌رفت که در حوزه نوجوان ساخته شده بود و مورد نقد و بررسی منتقدان قرار گرفت، در این بین باغ کیانوش را روایتی خاص و خلاقانه نوجوانان را قهرمانان یک داستان نسبتاً واقعی معرفی و ساختن فضایی فانتزی را در ذهن‌شان نقطه عطف خود کرده بود زیرا بسیاری از نوجوانان بعد از دیدن این فیلم از برخی صحنه‌های تعریف و تمجید می‌کردند! و از ماجراجویانه بودن این اثر خوش‌شان آمده بود! پس اگر به عنوان یک نوجوان بخواهیم نگاهی انتقادآمیز به